■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی

جام جم

■ شاپا: ISSN1735-3637
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به‌صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام جم)

سه‌شنبه ۱۱ شهریور ۱۳۹۹ | ۱۲ محرم ۱۴۴۲ | ۲۰ صفحه | سال بیست‌ویکم - شماره ۵۷۴۴ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان | Tuesday-September1,2020

حدیث روز: بحارالانوار

امام سجاد(ع): من پسر کسی هستم که فرشتگان آسمان بر او گریستند. من پسر کسی هستم که جنیان در زمین و پرندگان در هوا بر او نوحه‌سرایی کردند.

پلک احساس: حافظ

رندان تشنه‌لب را آبی نمی‌دهد کس
گویی ولی شناسان رفتند از این ولایت

امروز در تاریخ:

- زادروز احمدشاه مسعود، فرمانده مجاهدین افغان بر ضد ارتش سرخ (۱۳۳۲ ش)
- وقوع زلزله در بویین‌زهرا و کشته شدن بیش از ۲۵ هزار نفر (۱۳۴۱ ش)
- انتخاب محمدرضا مهدوی کنی به نخست‌وزیری پس از شهادت آقایان رجایی و باهنر (۱۳۶۰ش)
- شهادت محمود کاوه، یکی از فرماندهان سپاه پاسداران در عملیات کربلای ۲ (۱۳۶۵ ش)

اوقات شرعی:
اذان ظهر: ۱۳/۰۴ | غروب آفتاب: ۱۹/۳۱
اذان مغرب: ۱۹/۵۰ | نیمه‌شب شرعی: ۰۰/۲۱
اذان صبح (فردا): ۵/۱۰ | طلوع خورشید (فردا): ۶/۳۷

پیش‌بینی آب و هوا چهارشنبه

تهران	اهواز	اصفهان	بوشهر	تبریز	رشت	مشهد	یزد
۲۹ / ۱۹	۴۵ / ۲۷	۳۲ / ۱۴	۳۸ / ۲۹	۳۲ / ۱۸	۲۹ / ۱۷	۲۹ / ۱۸	۳۴ / ۱۹

حکمت ۳۷۶: نهج‌البلاغه

حق سنگین است، اما گوارا و باطل سبک لیکن در کام چون سنگ خارا.

کافه میرداماد

گفت‌وگو با محمدکاظم کاظمی، شاعر افغان در زادروز احمدشاه مسعود

مسعود یک چریک بود

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

احمدشاه مسعود برای ایرانی‌ها، به‌خصوص برای روزنامه‌نگاران و علاقه‌مندان تاریخ و دوستداران شخصیت‌های معاصر که بر جریان انقلاب‌های بزرگ تاثیر گذاشته‌اند، چهره‌ای شناخته‌شده است. مسعود در یازدهم ماه سنبله (شهریور) ۱۳۳۲ در دره پنج‌شیر متولد شد و در ۱۸ سنبله ۱۳۸۰ ترور شد. بیشتر عمرش را در راه مبارزه برای آزادی افغانستان سپری کرد؛ مبارزی که هم با دشمنان داخلی جنگید و هم خارجی. برای ما ایرانی‌ها او یادآور شخصیت‌هایی مانند شهید چمران و چه‌گوارا است. هرچند محمدکاظم کاظمی، شاعر افغانستانی مقیم ایران می‌گوید: مسعود در دوران دانشجویی متاثر از تفکرات دکتر شریعتی بود.

در زادروز احمدشاه مسعود با کاظمی هم صحبت شدیم تا از روحیات و تفکر مسعود برایمان بگوید؛ مردی که نویسندگان ایرانی درباره او کتاب نوشته یا در بخشی از کتاب خود به او و زندگی و مبارزاتش پرداخته‌اند، کتاب‌هایی مانند فرمانده مسعود و جانستان، کابلستان.

دانشجوی خط مبارزه

از کاظمی درباره دره پنج‌شیر می‌پرسم و این‌که آیا جغرافیای این منطقه در روحیات مسعود تاثیری داشته، می‌گوید: دره پنج‌شیر، منطقه کوهستانی است که در مرکز افغانستان واقع شده و راهی است برای رسیدن کابل به شمال کشور؛ به همین دلیل بسیار استراتژیک است. منطقه‌ای صعب‌العبور که پر است از معادن و سنگ‌های قیمتی و بسیار آباد و پر آب. اما منطقه جغرافیایی چندان اثری بر روحیه و مبارزه‌طلبی مسعود نداشته. آنچه او را متاثر کرده آبشخور فکری او بوده که مهم‌ترین آنها جنبش‌های اسلامی بوده و بیشتر آنها متاثر از جنبش اسلامی در ایران و جنبش اخوان‌المسلمین در مصر بوده. اسلامگراهای روشنفکر افغان بیشتر متاثر از اخوان بودند، هرچند مستقل از آنها بودند.

افکار و نظریات دکتر شریعتی در میان روشنفکران مذهبی افغانستان طرفداران زیادی داشت. مسعود تحصیلکرده رشته مهندسی از دانشگاه کابل بود. این دانشگاه مرکز تلاقی گرایش‌های سیاسی آن زمان بود. گروهی چپ بودند مثل کارمل و نجیب. گروهی هم مسلمان بودند که از میان آنها می‌توان به پروفسور نیازی، برهان‌الدین ربانی و حکمتیار و احمدشاه مسعود اشاره کرد. مسعود حاصل محیط دانشگاهی کابل بود. دانشجویان بسیار فعال بودند. مسعود بسیار جوان بود که وارد فعالیت‌های سیاسی شد و خیلی زود راه خودش را یافت و مبارزات مسلحانه را هم آغاز کرد.

زبان فارسی؛ مسعود را محبوب کرد

از کاظمی می‌پرسم، ایرانی‌ها معمولا مسعود را شخصیتی کاریزماتیک می‌دانند و به او علاقه‌مندند و درباره‌اش کتاب نوشته و فیلم ساخته‌اند. ریشه این علاقه‌مندی در کجاست، می‌گوید: در بین جریان‌های اسلامی که در افغانستان فعالیت‌های سیاسی داشتند، عده‌ای متعلق به قوم پشتون بودند که از لحاظ زبانی با ایران قرابت نداشتند، گلبدین حکمت‌یار چهره شاخص این قوم بود. عده‌ای هم از نظر قومی تاجیک بودند و فارسی زبان و حزب جمعیت اسلامی افغانستان غالبا متعلق به این قوم بودند؛ احمدشاه مسعود و برهان‌الدین ربانی برخی از این چهره‌های اهل سنت بودند اما فارسی‌زبان و تاجیک.

این دو ویژگی باعث شد ایرانی‌ها به افرادی مانند مسعود علاقه‌مند شوند. زمانی که جهاد افغانستان در دره پنج‌شیر شروع به فعالیت کرد، ایرانی‌هایی بودند که با مسعود ارتباطی نزدیک‌تر داشتند و اتفاقا اهل قلم هم بودند که یکی از آنها دکتر پهلوان بود که به جریان پنج‌شیر و مسعود علاقه‌مند بود و چون گرایش قوم‌گرایی داشت، مسعود را بیشتر به ایرانی‌ها معرفی کرد. یکی دیگر از شخصیت‌هایی که در معرفی مسعود موثر بود آقای محمدحسین جعفریان بود که مدت‌ها با مسعود همراه بود.

تفاوتی که مسعود با شخصیت‌هایی مانند شهید چمران و چه‌گوارا دارد در این است که او زمانی که توانست در حکومت و قدرت جایگاهی پیدا کند، در قدرت ماند؛ اما یادمان هست که شهید چمران نماند و بعد از دوره کوتاهی که وزیر بود دوباره به جبهه رفت و مبارزه با دشمن را ادامه داد یا چه‌گوارا زمانی که کاسترو به حکومت رسید، کوبا را ترک کرد و مبارز ماند.

او که نویسنده، شاعر و فیلمساز بود در شناساندن مسعود به ایرانی‌ها موثر بود. گرایش‌های انقلابی و اسلامی این دو نفر باعث شد آنها بسیار به‌هم نزدیک شوند. مسعود نزدیک‌ترین چهره به خط و مشی انقلاب اسلامی ایران هم بود. البته این را هم بگویم که او متعلق به یکی از بزرگ‌ترین حزب‌های افغانستان بود؛ حزب جمعیت اسلامی که در مناطق شمال و غرب افغانستان نفوذ داشت و در ایران و پاکستان نیز دفتر داشت. او در حضور بین‌المللی هم فعال بود. حزب در شناساندن مسعود به مردم جهان و به‌ویژه منطقه موثر بود. شخصیت خودش هم که بسیار با جذبه و مقتدر بود. او فرمانده پنج‌شیر بود و شجاعت و اقتدارش زبانزد همه بود و یکی از فرماندهانی بود که مردم او را به عنوان جهاد اسلامی افغانستان می‌شناختند. نبوغ نظامی او کم‌نظیر بود همه اینها او را به شخصیتی کاریزماتیک تبدیل کرده بود.

تفاوت مسعود با شهید چمران

به کاظمی می‌گویم، برخی مسعود را شبیه شهید دکتر چمران می‌دانند. شما با این نظر موافق هستید، می‌گوید: مسعود چریک بود و بر امور نظامی احاطه زیادی داشت. این ویژگی او را به شهید چمران نزدیک می‌کند و این‌که او همیشه در افغانستان بود و مثل تعداد زیادی از رهبران افغانستان نبود که از این کشور خارج شود و از بیرون جنگ‌ها را هدایت کند. از نظر ساده‌زیستی هم می‌توان او را شبیه شهید چمران دانست، مردی که از قدرت و نفوذ برای دستیابی به قدرت و ثروت استفاده نکرد. تفاوتی که مسعود با شخصیت‌هایی مانند شهید چمران و چه‌گوارا دارد در این است که او زمانی که توانست در حکومت و قدرت جایگاهی پیدا کند، در قدرت ماند؛ اما یادمان هست که شهید چمران نماند و بعد از دوره کوتاهی که وزیر بود دوباره به جبهه رفت و مبارزه با دشمن را ادامه داد یا چه‌گوارا زمانی که کاسترو به حکومت رسید، کوبا را ترک کرد و مبارز ماند. مسعود اما چند سالی یکی از ارکان حکومت بود و در همین زمان بود که جنگ‌های داخلی افغانستان شدت یافت و مسعود حتی به جهادگران و مبارزان دیگر هم پشت کرد که اگر نمی‌کرد، بسیاری از درگیری‌ها و کشتارها کمتر می‌شد. مردم افغانستان و سیاستمداران به این دوره مسعود انتقادات تندی دارند اما زمانی که طالبان افغانستان را وارد یکی از بدترین دوره‌ها کردند، مسعود دوباره به یک مبارز تبدیل شد و دوباره اعتماد مردم را جلب کرد.

به باور بیشتر مردم افغانستان نفوذ و قدرت حزبی که مسعود به آن تعلق داشت باعث شد به او لقب «قهرمان ملی» بدهند. با همه اینها مسعود مردی مبارز و علاقه‌مند فرهنگ و هنر بود، مردی که بر نفس خود غلبه کرد و برای حفظ استقلال افغانستان بیشتر سال‌های عمرش را به مبارزه پرداخت. زمانی که طالبان موزه کابل را به ویرانه تبدیل کردند و آثارش را تخریب کردند یا به سرقت بردند، مسعود گفته‌بود که ای‌کاش آن آثار را از موزه خارج کرده‌بودیم. او بسیار کتابخوان بود و تاثیر زیادی در حفظ آثار مکتوب افغانستان داشت.

طف

نه با ما و نه بر ما

◆ امید مهدی‌نژاد ◆

علی‌بن‌حسین به قامت ایستاد و مردمان خاموش شدند. پس، بعد از حمد خدای و ذکر رسول، فرمود: ای مردمان، هرکه مرا می‌شناسد، می‌شناسد و هرکه نمی‌شناسد، خود را به او می‌شناسانم؛ من علی‌بن‌حسن‌بن‌علی‌بن‌ابیطالبم. فرزند آن‌که در کنار فرات سر از تنش بریدند، بی‌آن‌که گناهی کرده یا خونی بر گردن داشته باشد. منم فرزند آن‌که حرمتش شکستند و حق نعمتش نداشتند و داشته‌اش بردند و اهل و عیالش اسیر گرفتند.

منم فرزند آن‌که آن مایه زخم بر او زدند تا طاقتش برفت و به زجرش کشتند. من فرزند چنین کسم. همین فخر بسم. ای مردمان، شما را به خدا، به یاد دارید که نامه‌ها به پدرم نوشتید و او را فریفتید و عهد و میثاق کردید و بیعت آوردید؟ و آخر با او قتال کردید تا او را کشتید؟ زشت‌عزمی کردید و بد توشه‌ای برای خویش پیش فرستادید. پس به چه روی در رسول خدا خواهید نگریست، آن‌گاه که شما را گوید «خاندانم کشتید و حرمتم شکستید، شما از امت من نیستید.»

خدای بیامرزد، هرکه را که اینک اندرزم بنیوشد و در راه خدا و رسول و خاندان رسول وصیتم بپذیرد؛ که ما به رسول خدا تأسی کرده‌ایم .... گفتند: ای فرزند رسول، شنواییم و پذیراییم و از تو روی‌نمی‌گردانیم. خدایت بیامرزد، آنچه فرمان است بفرمای، که دوستانت را دوست می‌داریم و دشمنانت را دشمن.

بفرمای تا یزید را ببندیم و بیاوریم، که بیزاریم از هرکه بر تو و بر ما ستم کرد .... گفت: هیهات، هیهات، ای غداران مکار، به آنچه در دل دارید نمی‌رسید. می‌خواهید با من آن کنید که با پدرم کردید؟ نه. از شما تنها همین خواهم که رهایمان گذارید. که نه با ما باشید و نه بر ما.

بی درنگ

روایت مردم و امام جماعت روستای ابوالفضل (ع) درباره اتفاقات اخیر

ما زمین‌خوار نیستیم

زینب مرزوقی
گروه استان‌ها

مردمِ عرب خوزستان روز هفتم محرم را یوم العباس می‌گویند که حال و هوایی شبیه روز عاشورا دارد. ماجرای روستای ابوالفضل و اجرای حکم تخریب در ظهرِ یوم‌العباس اتفاق افتاد. مردم در حالی برای عزاداری آماده می‌شدند که به دنبال ادعای مالکیت زمین‌های روستای ابوالفضل توسط بنیاد مستضعفان، تعدادی از نیروهای اجرای احکام همراه مأموران اجراییات شهرداری برای تخریب و جلوگیری از ساخت‌وسازهای غیرقانونی به این روستا وارد شدند. یکی از زنان روستای ابوالفضل در گفت‌وگو با خبرنگار جام جم می‌گوید: تقریبا پنج سالِ گذشته خانه را از یکی از اهالی روستا از سر مجبوری و نداری خریدیم. خانه‌ام فقط یک اتاق و یک پذیرایی دارد. تمام زندگی‌ام همین است. اینجا هیچ خدماتی نداریم. حتی شهرداری زباله‌هایمان را جمع‌آوری نمی‌کند و ما مجبوریم زباله‌ها را بسوزانیم یا در فضای آزاد اطراف خانه‌هایمان رها کنیم. وقتی به دنبال ارائه خدمات به شهرداری رفتیم، اسم و فامیلمان را یادداشت کردند و پس از مدتی از سمت دادستانی برایمان احضاریه ارسال شد. اما حالا قصه فرق می‌کند! دیگر هیچ خدماتی نمی‌خواهیم، فقط همین سرپناه بالای سرمان بماند و آن را خراب نکنند.

تصرف عدوانی صورت نگرفته است

یکی دیگر از اهالی روستای ابوالفضل که پیرمردی پابه سن گذاشته است، با خود اسناد و مدارکی دارد. او در پاسخ به پرسش خبرنگار جام جم می‌گوید: نگویید از چه سالی به این شهرک آمده‌ام چراکه من متولد همین‌جا هستم. او داستان زمین‌های روستا را این‌گونه روایت می‌کند: اینجا زمین آبا و اجدادی من است. ما پیش از انقلاب در این منطقه ساکن بودیم و پدرم کشاورزی می‌کرد. تمام فیش‌های تحویل محصولات کشاورزی زمین‌هایمان را دارم که نشان می‌دهد ما در این منطقه پیشینه تاریخی داریم. قریب به ۲۰ سال پیش مسجد را خودم در این منطقه بنا کردم. یک تکه زمین داشتم که آن را فروختم و با پول آن، یک مسجد در شان روستا ساختم. اما حالا به ما می‌گویند شما تصرف عدوانی دارید. مگر ما دشمن هستیم که این حرف را می‌زنند؟ تصرف عدوانی فقط برای دشمن است. خانواده‌ام چند شهید در دوران دفاع مقدس داده است و این برخوردها با ما جایز نیست!

روستایی با قدمت ۴۰ ساله

امام جماعت روستای ابوالفضل در گفت‌وگو با خبرنگار جام جم درباره این روستا عنوان می‌کند: قدمت روستا بیش از ۴۰ سال است. اسناد بعضی از اهالی نشان می‌دهد که از سال ۴۸ در این روستا زندگی و در زمین‌های مجاور کشاورزی می‌کردند. در زمان پهلوی یکی از افراد نزدیک به حکومت دست روی زمین‌های این روستا گذاشت و مدارکی برای تصرف آنها تهیه کرد. پس از پیروزی انقلاب و تشکیل بنیاد مستضعفان، زمین‌ها به ملکیت بنیاد مستضعفان درآمد در صورتی که مردم روستا سند مشاع خودشان را داشتند. حجت‌الاسلام سید یوسف موسوی شوکی ادامه می‌دهد: متأسفانه در تمام این سال‌ها بنیاد با اهالی روستا برای گفت‌وگو وارد نشده است تا اسناد را نیز مشاهده کند. بنده به‌عنوان نماینده مردم روستای ابوالفضل بارها از بنیاد درخواست اسنادی را که نشان می‌دهد این زمین‌ها برای بنیاد است، ببینم اما تا به امروز هیچ سندی به ما نشان نداده‌اند. امام جماعت مسجد امیرالمؤمنین روستای ابوالفضل درباره رفتار نیروهای اجرای احکام می‌گوید: در شب هفتم، اهالی روستا با خبر شدند نیروهای ضابط قضایی بدون ارسال هیچ احضاریه قبلی همراه با نیروهای اجراییات شهرداری همراه با لودر برای تخریب منازل وارد روستا شده‌اند. پیش از این که به ورودی روستا برسند، ماشین‌ها و لودر را در اتوبان دیدیم. به ورودی روستا، نبش پمپ‌بنزین که رسیدند، مردم برای دفاع از خانه‌های‌شان در ورودی روستا و کنار منازل خود صف‌آرایی کردند. اما نیروهای حاضر در صحنه با گاز اشک‌آور به مردم حمله کرده و تعدادی از اهالی را زخمی کردند و به سمت ما گاز اشک‌آور پرتاب کردند. حتی حرمت روحانیت را نگه نداشتند و برای کتک زدنم نزدیک شدند. من نه‌تنها بازگشت ملکیت زمین‌های اهالی را مطالبه دارم بلکه مطالبه‌گر حق هستم و می‌خواهم حق در این موضوع اجرا شود.

خوزستان و بی‌تدبیری در تصمیمات

همچنین رئیس کمیسیون عمران شورای شهر اسلامی اهواز در گفت‌وگو با خبرنگار جام جم عنوان می‌کند: شواهد و قرائن نشان می‌دهد این اتفاق از دو مسیر دنبال شده است؛ یکی از آنها بنیاد مستضعفان است. از این طریق که اعلام شده زمین‌ها متعلق به بنیاد مستضعفان است. اهالی به جد دنبال حل مساله بودند و از سویی دیگر بنیاد نیز ادعاهایی داشت. این جریان باید در یک مسیر منطقی پیش می‌رفت. بار اول مهرماه ۹۷ نماینده اهالی روستای ابوالفضل به تهران رفتند و قول‌هایی داده شد. شاید بنیاد بخواهد بگوید ما با اجرای این تصمیم به این شیوه موافق نبودیم اما این امر جور در نمی‌آید که بگوید به‌طور کامل بی‌اطلاع است. بنیاد مرکزی نظری مساعدتر درباره روستا دارد اما بنیاد استان نظر دیگری دارد. محمدجعفر فلسفی می‌افزاید: بنیاد مستضعفان عمدتا نگاه حمایتی دارد مگر این‌که فضا به سمت دیگری کشیده شود. در روستای ابوالفضل می‌بینیم که ساخت‌وسازهایی به‌مرور شکل گرفته است. اگر این اقدام به‌منظور جلوگیری از ساخت‌وساز بوده یک بحث است و اگر منظور این است که کل ساخت‌وسازها در روستا تخلف است، موضوع دیگری است. اکنون مطرح کرده‌اند که هدف ما جلوگیری از گسترش ساخت‌وساز در این منطقه است. اگر نیت این بوده پس باید برای افراد احضاریه ارسال می‌شد. حل و فصل ماجرا می‌توانست بسیار راحت‌تر اتفاق بیفتد و بنده فکر می‌کنم تصمیم اتخاذ شده مدبرانه نبوده است. عضو شورای اسلامی شهر اهواز تصریح می‌کند: هنوز کم و کیف رأی ماده ۱۰۰ برای ما قطعی نیست که برای کل منطقه بوده یا خیر. تمام این موضوعات مبهم و باید شفاف شوند؛ اما اصل موضوع به بنیاد بازمی‌گردد چراکه باید روی یک ادعا در خصوص زمین تصمیم بگیرد و بدون در نظر گرفتن مواردی نمی‌تواند ورود کند. وی در پاسخ به خبرنگار جام جم درباره دلیل عدم خدمات‌رسانی شهرداری‌ها در ادوار گذشته می‌افزاید: ادعای مالکیت زمین‌ها توسط بنیاد چند سالی است که مطرح است. دلیل اصلی عدم خدمات‌رسانی به این منطقه، جلوگیری بنیاد در ارائه خدمات بود؛ چون ما مناطقی داریم که در آنها ساخت‌وسازهای غیرمجاز وجود دارد اما به آنها خدمات ارائه می‌شود چراکه ارگان و نهادی ادعای مالکیت ندارد. به گزارش خبرنگار جام جم، سید پرویز فتاح در گفت‌وگوی تلفنی با آیتا... فرحانی، نماینده مردم در مجلس خبرگان گفته است که شورای تأمین، دادستانی و شهرداری اهواز گفته‌اند که این مردم زمین‌خوارند در صورتی که بنیاد مستضعفان در کنار مردم است. همچنین در یک گفت‌وگوی تلفنی دیگر به این مورد اشاره کرده که این تخریب در راستای اجرای احکام ماده ۱۰۰ برای جلوگیری از زمین‌خواری بوده است. با این حال پس از این حادثه امیر دریابان شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی با سفر به این روستا ضمن دیدار با خانواده‌های حاضر در آن منطقه به گفت‌وگو و بحث پیرامون این محله پرداخت و با خانواده‌های آسیب‌دیده دیدار کرد. دریابان شمخانی در آغاز ورود به روستا ضمن تکریم حجت‌الاسلام سید یوسف موسوی شوکی، امام جماعت مسجد روستای ابوالفضل از او تجلیل کرد.

نکته

شناسایی خانواده‌های محروم ابوالفضل (ع)

بنیاد مستضعفان در بیانیه‌ای با اشاره به حادثه رخ‌داده در منطقه زردشت اهواز موسوم به روستای حضرت ابوالفضل (ع) گفت: «با توجه به تصرفات صورت گرفته طی سالیان گذشته در اراضی زردشت اهواز که باعث سوءاستفاده‌هایی از خانواده‌های نیازمند و محروم ساکن در این اراضی شد، مراجع قضایی برای جلوگیری از سودجویی‌ها و زمین‌خواری در این اراضی، حکم به رفع تصرف این زمین‌ها را صادر کردند. بر همین اساس اقدامات انجام شده، گرچه در جهت جلوگیری از توسعه ساخت‌وسازهای غیرمجاز و با هماهنگی کامل استاندار، دادستان، شهرداری و سایر مسؤولان مربوطه انجام شد ولی بنیاد مستضعفان به‌محض اطلاع از موضوع، درخواست توقف اجرای احکام صادره را خواستار شد. لذا به دنبال توقف اجرای احکام صادره مقرر شد با همکاری کمیته امداد امام خمینی (ره) طی دو هفته، خانواده‌های محروم ساکن این اراضی شناسایی شوند و پس از فراهم شدن زمینه انتقال این خانوارها به منطقه‌ای مسکونی و تأمین هزینه پیش‌پرداخت مسکن این خانوارها توسط بنیاد مستضعفان، اجرای احکام قانونی در خصوص این اراضی، انجام شود.»